

السَّفَرُ إِلَى أُورُشَلِيمَ عِبر قيصريّة

¹ وَلَمَّا انْقَضَتْ عَنْهُمْ أَقْلَعْنَا وَجِئْنَا مُتَوَجِّهِينَ بِالسَّيْفَةِ إِلَى كُوسَ وَفِي الْيَوْمِ الثَّالِي إِلَى رُودُسَ، وَمِنْ هُنَاكَ إِلَى بَاتْرَا، ² فَإِذْ وَجَدْنَا سَفِينَةً عَابِرَةً إِلَى فِينِيقِيَّةٍ صَعَدْنَا إِلَيْهَا وَأَقْلَعْنَا. ³ ثُمَّ أَطْلَعْنَا عَلَى قَيْسَرَسَ وَتَرَكْنَاهَا بِسَرَّةٍ وَسَافَرْنَا إِلَى سُورِيَّةٍ وَأَقْبَلْنَا إِلَى صُورَ لِأَنَّ هُنَاكَ كَاتِبَ السَّفِينَةِ تَصْعُ وَشَقَّهَا. ⁴ وَإِذْ وَجَدْنَا التَّلَامِيذَ مَكْنُتًا هُنَاكَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ. وَكَانُوا يَقُولُونَ لِبُولَسَ يَا رُوحَ أَنْ لَا يَصْعَدَ إِلَى أُورُشَلِيمَ. ⁵ وَلَكِنْ لَمَّا اسْتَكْمَلْنَا الْآيَّامَ خَرَجْنَا ذَاهِبِينَ وَهُمْ جَمِيعًا يُسَيِّعُونَنَا مَعَ النِّسَاءِ وَالْأَوْلَادِ إِلَيَّ خَارِجَ الْمَدِينَةِ، فَجَنَوْنَا عَلَى رُكْبَتَا عَلَيَّ الشَّاطِطِيِّ وَصَلَّيْنَا. ⁶ وَلَمَّا وَدَعْنَا بَعْضُنَا بَعْضًا صَعَدْنَا إِلَى السَّفِينَةِ، وَأَمَّا هُمْ فَارْجَعُوا إِلَى خَاصَّتِهِمْ.

⁷ وَلَمَّا اكْمَلْنَا السَّفَرَ فِي الْبَحْرِ مِنْ صُورَ أَقْبَلْنَا إِلَى بُولُطَايَسَ فَسَلَّمْنَا عَلَى الْإِخْوَةِ وَمَكْنُتًا عِنْدَهُمْ يَوْمًا وَاحِدًا. ⁸ ثُمَّ خَرَجْنَا فِي الْعَدِّ نَحْنُ رُفَقَاءَ بُولَسَ وَجِئْنَا إِلَى قَيْصَرِيَّةٍ فَدَخَلْنَا بَيْتَ فِيلِئُسَ الْمُبَشِّرِ، إِذْ كَانَ وَاحِدًا مِنَ السَّبْعَةِ، وَأَقَمْنَا عِنْدَهُ. ⁹ وَكَانَ لِهَذَا أَرْبَعُ بَنَاتٍ عَذَارَى كُنَّ يَسَبَّانَ. ¹⁰ وَبَيْنَمَا نَحْنُ مُقِيمُونَ أَيَّامًا كَثِيرَةً انْخَدَرَ مِنَ الْيَهُودِيَّةِ نَبِيٌّ اسْمُهُ آغَابُوسَ. ¹¹ فَجَاءَ إِلَيْنَا وَأَخَذَ مِنْطَقَةَ بُولَسَ وَرَبَطَ يَدَيْ تَفْسِهِ وَرَجَلَيْهِ وَقَالَ: هَذَا يَقُولُهُ الرُّوحُ الْقُدُسُ: الرَّجُلُ الَّذِي لَهُ هَذِهِ الْمِنْطَقَةُ هَكَذَا سَيَرْبِطُهُ الْيَهُودُ فِي أُورُشَلِيمَ وَيُسَلِّمُونَهُ إِلَى أَيْدِي الْأَمَمِ. ¹² فَلَمَّا سَمِعْنَا هَذَا صَلَّيْنَا إِلَيْهِ نَحْنُ وَالَّذِينَ مِنَ الْمَكَانِ أَنْ لَا يَصْعَدَ إِلَيَّ أُورُشَلِيمَ. ¹³ فَأَجَابَ بُولَسَ: مَاذَا تَفْعَلُونَ؟ تَبْكُونَ وَتَكْسِرُونَ قَلْبِي؟ لِأَنِّي مُسْتَعِدٌّ لَيْسَ أَنْ أُرْبِطَ فَقَطْ بَلْ أَنْ أَمُوتَ أَيْضًا فِي أُورُشَلِيمَ لِأَجْلِ اسْمِ الرَّبِّ يَسُوعَ. ¹⁴ وَلَمَّا لَمْ يُفْعَ سَكْنَتَا قَائِلِينَ: لَتَكُنْ مَشِيئَةُ الرَّبِّ. ¹⁵ وَبَعْدَ تِلْكَ الْآيَّامِ تَأَهَّبْنَا وَصَعَدْنَا إِلَى أُورُشَلِيمَ، ¹⁶ وَجَاءَ أَيْضًا مَعَنَا مِنْ قَيْصَرِيَّةٍ أَنَاسُ مِنَ التَّلَامِيذِ ذَاهِبِينَ بِنَا إِلَى مَنَاسُونَ، وَهُوَ رَجُلٌ قَيْسَرِيٌّ، تَلْمِيزٌ قَدِيمٌ، لِيَتَرَلَّ عِنْدَهُ.

الرَّسُولُ بُولَسُ فِي أُورُشَلِيمَ

¹⁷ وَلَمَّا وَصَلْنَا إِلَى أُورُشَلِيمَ قَبِلْنَا الْإِخْوَةَ بِفَرَحٍ. ¹⁸ وَفِي الْعَدِّ دَخَلَ بُولَسُ مَعَنَا إِلَى يَعْقُوبَ وَخَصَرَ جَمِيعَ الْمَسَاحِ. ¹⁹ فَتَبَعَدَ مَا سَلَّمَ عَلَيْهِمْ طِفْقَ بُحْدَتِهِمْ سَبِينًا فَسَبِينًا بِكُلِّ مَا فَعَلَهُ اللَّهُ بَيْنَ الْأَمَمِ بِوَاسِطَةِ خِدْمَتِهِ. ²⁰ فَلَمَّا سَمِعُوا كَانُوا يُمَجِّدُونَ الرَّبَّ، وَقَالُوا لَهُ:

سفر پولس به اورشليم

¹ و چون از ایشان هجرت نمودیم، سفر دریا کردیم و به راه راست به کوس آمدیم و روز دیگر به رودس و از آنجا به پاترا. ² و چون کشتیای یافتیم که عازم فینیقیّه بود، بر آن سوار شده، کوچ کردیم. ³ و قیّرس را به نظر آورده، آن را به طرف چپ رها کرده، به سوی سوریه رفتیم و در صُور فرود آمدیم زیرا که در آنجا می‌بایست بار کشتی را فرود آورند. ⁴ پس شاگردی چند پیدا کرده، هفت روز در آنجا ماندیم و ایشان به الهام روح به پولس گفتند که به اورشليم نرود. ⁵ و چون آن روزها را بسر بردیم، روانه گشتیم و همه با زنان و اطفال تا بیرون شهر ما را مشایعت نمودند و به کناره دریا زانو زده، دعا کردیم. ⁶ پس یکدیگر را وداع کرده، به کشتی سوار شدیم و ایشان به خانه‌های خود برگشتند.

⁷ و ما سفر دریا را به انجام رسانیده، از صُور به پتولامیس رسیدیم و برادران را سلام کرده، با ایشان یک روز ماندیم. ⁸ در فردای آن روز، از آنجا روانه شده، به قیصریه آمدیم و به خانه فیلیّس مبشّر که یکی از آن هفت بود درآمد، نزد او ماندیم. ⁹ و او را چهار دختر باکره بود که نبوّت می‌کردند. ¹⁰ و چون روز چند در آنجا ماندیم، نبیای آغابوس نام از یهودیه رسید، ¹¹ و نزد ما آمده، کمر بند پولس را گرفته و دستها و پایهای خود را بسته، گفت: روح القدس می‌گوید که یهودیان در اورشليم صاحب این کمر بند را به همینطور بسته، او را به دستهای امّت‌ها خواهند سپرد. ¹² پس چون این را شنیدیم، ما و اهل آنجا التماس نمودیم که به اورشليم نرود. ¹³ پولس جواب داد: چه می‌کنید؟ که گریان شده دل مرا می‌شکنید؟ زیرا من مستعدّم که نه فقط قید شوم بلکه تا در اورشليم بمیرم به‌خاطر نام خداوند عیسی. ¹⁴ چون او نشنید خاموش شده، گفتیم: آنچه اراده خداوند است بشود.

¹⁵ و بعد از آن ایّام تدارک سفر دیده، متوجّه اورشليم شدیم. ¹⁶ و تنی چند از شاگردان قیصریه همراه آمده، ما را نزد شخصی مناسون نام که از اهل قیّرس و شاگرد قدیمی بود، آوردند تا نزد او منزل نماییم.

پولس در اورشليم

¹⁷ و چون وارد اورشليم گشتیم، برادران ما را به

أَنْتَ تَرَى، أَتَيْهَا الْأَخْ، كَمْ يُوجَدُ رَبَّوَةٌ مِنَ الْيَهُودِ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُمْ جَمِيعاً غَيْرُورُونَ لِلتَّامُوسِ،²¹ وَقَدْ أُخْبِرُوا عَنْكَ أَنَّكَ تُعَلِّمُ جَمِيعَ الْيَهُودِ الَّذِينَ بَيْنَ الْأَمَمِ الْإِزْدَادَ عَنْ مُوسَى قَائِلًا: أَنْ لَا يَخْتِنُوا أَوْلَادَهُمْ وَلَا يَسْلُكُوا حَسَبَ الْعَوَائِدِ.²² قَادَا مَاذَا يَكُونُ؟ لَا يَدُّ عَلَى كُلِّ خَالٍ أَنْ يَجْتَمِعَ الْجُمْهُورُ لَأَنَّهُمْ سَيَسْمَعُونَ أَنَّكَ قَدْ جِئْتَ.²³ قَافِعَلْ هَذَا الَّذِي تَقُولُ لَكَ: عِنْدَنَا أَرْبَعَةُ رَجَالٍ عَلَيْهِمْ دُرٌّ،²⁴ خُذْ هَؤُلَاءِ وَطَهِّرْ مَعَهُمْ وَأَنْفِقْ عَلَيْهِمْ لِيَحْلِفُوا زُرُوسَهُمْ فَيَعْلَمَ الْجَمِيعُ أَنْ لَيْسَ شَيْءٌ مِمَّا أُخْبِرُوا عَنْكَ بَلْ تَسْلُكُ أَنْتَ أَيْضاً خَافِطاً لِلتَّامُوسِ.²⁵ وَأَمَّا مِنْ جِهَةِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْأَمَمِ فَأَرْسَلْنَا نَحْنُ إِلَيْهِمْ وَحَكَمْنَا أَنْ لَا يَحْقَطُوا شَيْئاً مِثْلَ ذَلِكَ سِوَى أَنْ يُخَافِطُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ مِمَّا دُيِّحَ لِلْأَصْنَامِ وَمِنْ الدِّمِّ وَالْمَخْنُوقِ وَالزَّنَا.²⁶ جَبِئِدْ أَخَذَ بُولُسُ الرَّجَالَ فِي الْعِدِّ وَطَهَّرَ مَعَهُمْ وَدَخَلَ الْهَيْكَلُ مُخْبِراً بِكَمَالِ أَيَّامِ التَّطْهِيرِ إِلَى أَنْ يُقَرَّبَ عَنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ الْقُرْبَانَ.

القبض على الرسول بولس

²⁷ وَلَمَّا قَارَبَ الْيَّامَ الْبَسْعَةَ أَنْ تَيَّمَّ رَأَهُ الْيَهُودُ الَّذِينَ مِنْ أَسِيَّا فِي الْهَيْكَلِ فَأَهَاجُوا كُلَّ الْجَمْعِ وَالْقُوا عَلَيْهِ الْآبَادِي صَارَخِينَ: يَا أَتَيْهَا الرِّجَالُ الْإِسْرَائِيلِيُّونَ، أَعْبِئُوا، هَذَا هُوَ الرَّجُلُ الَّذِي يُعَلِّمُ الْجَمِيعَ فِي كُلِّ مَكَانٍ ضِدَّاً لِلشَّعْبِ وَالتَّامُوسِ وَهَذَا الْمَوْضِعِ، حَتَّى أَدْخَلَ يُونَانِيَّيْنِ أَيْضاً إِلَى الْهَيْكَلِ وَدَنَسَ هَذَا الْمَوْضِعَ الْمُقَدَّسَ.²⁹ لَأَنَّهُمْ كَانُوا قَدْ رَأَوْا مَعَهُ فِي الْمَدِينَةِ ثُرُوفِيمُسَ الْأَقْسُسِيَّ، فَكَانُوا يَطْبُئُونَ أَنَّ بُولُسَ أَدْخَلَهُ إِلَى الْهَيْكَلِ.³⁰ فَهَاجَبَ الْمَدِينَةَ كُلَّهَا وَتَرَكَضَ الشَّعْبُ وَأَمْسَكُوا بُولُسَ وَجَرَّوهُ خَارِجَ الْهَيْكَلِ وَلِلْوَقْتِ أُغْلِقَتِ الْأَبْوَابُ.³¹ وَبَيْنَمَا هُمْ يَطْلُبُونَ أَنْ يَقْتُلُوهُ تَمَّ حَبْرٌ إِلَى أَمِيرِ الْكَنِيبَةِ أَنَّ أَوْزُسْلِيمَ كُلَّهَا قَدْ اضْطَرَبَتْ.³² فَلِلْوَقْتِ أَخَذَ عَسْكَراً وَفَوَّادَ مَنَاتٍ وَرَكَضَ إِلَيْهِمْ. فَلَمَّا رَأَوْا الْأَمِيرَ وَالْعَسْكَرَ كَفُّوا عَنْ صَرْبِ بُولُسَ.

³³ جَبِئِدْ اقْتَرَبَ الْأَمِيرُ وَأَمْسَكَهُ وَأَمَرَ أَنْ يُقَيَّدَ بِسِلْسِلَتَيْنِ وَطَفِيقٌ يَسْتَحْبِرُ، ثَرَى مِنْ يَكُونُ وَمَادَا فَعَلَ.³⁴ وَكَانَ الْبَعْضُ يَصْرُخُونَ بِشَيْءٍ وَالْبَعْضُ بِشَيْءٍ آخَرَ فِي الْجَمْعِ. وَلَمَّا لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَعْلَمَ الْبَقِيَّةَ لِسَبَبِ الشَّعْبِ، أَمَرَ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ إِلَى الْمُعْسَكَرِ.³⁵ وَلَمَّا صَارَ عَلَى الدَّرَجِ اتَّفَقَ أَنَّ الْعَسْكَرَ حَمَلَهُ بِسَبَبِ غُفَى الْجَمْعِ.³⁶ لِأَنَّ جُمْهُورَ الشَّعْبِ كَانُوا يَبْغُونَهُ صَارَخِينَ: خُذْهُ.

³⁷ وَإِذْ قَارَبَ بُولُسُ أَنْ يَدْخُلَ الْمُعْسَكَرَ قَالَ لِلْأَمِيرِ:

خشنودی پذیرفتند.¹⁸ و در روز دیگر، پولس ما را برداشته، نزد یعقوب رفت و همه کشیشان حاضر شدند.¹⁹ پس ایشان را سلام کرده، آنچه خدا به وسیله خدمت او در میان امتها به عمل آورده بود، مفصلاً گفت.²⁰ ایشان چون این را شنیدند، خدا را تمجید نموده، به وی گفتند: ای برادر، آگاه هستی که چند هزارها از یهودیان ایمان آورده اند و جمیعاً در شریعت غیورند.²¹ و درباره تو شنیده اند که همه یهودیان را که در میان امتها می باشند، تعلیم می دهی که از موسی انحراف نمایند و می گویی نباید اولاد خود را مختون ساخت و به سنن رفتار نمود.²² پس چه باید کرد؟ البتّه جماعت جمع خواهند شد زیرا خواهند شنید که تو آمده ای.²³ پس آنچه به تو گوئیم به عمل آور: چهار مرد نزد ما هستند که بر ایشان نذری هست،²⁴ پس ایشان را برداشته، خود را با ایشان تطهیر نما و خرج ایشان را بده که سر خود را بتراشند تا همه بدانند که آنچه درباره تو شنیده اند اصلی ندارد بلکه خود نیز در محافظت شریعت سلوک می نمای. ²⁵ لیکن درباره آنانی که از امتها ایمان آورده اند، ما فرستادیم و حکم کردیم که از قربانیهای بت و خون و حیوانات خفه شده و زنا پرهیز نمایند.²⁶ پس پولس آن اشخاص را برداشته، روز دیگر با ایشان طهارت کرده، به معبد درآمد و از تکمیل ایّام طهارت اطلاع داد تا هدیه ای برای هر یک از ایشان بگذارند.

بارداشت پولس در معبد

²⁷ و چون هفت روز نزدیک به انجام رسید، یهودیای چند از آسیا او را در معبد دیده، تمامی قوم را به شورش آوردند و دست بر او انداخته،²⁸ فریاد برآوردند که: ای مردان اسرائیلی، امداد کنید! این است آن کس که برخلاف امت و شریعت و این مکان در هر جا همه را تعلیم می دهد. بلکه یونانیای چند را نیز به هیکل درآورده، این مکان مقدّس را ملوّث نموده است.²⁹ زیرا قبل از آن ثرو فیّمُس آقْسُسِی را با وی در شهر دیده بودند و مطّنه داشتند که پولس او را به معبد آورده بود.³⁰ پس تمامی شهر به حرکت آمد و خلق ازدحام کرده، پولس را گرفتند و از معبد بیرون کشیدند و فی الفور درها را بستند.³¹ و چون قصد قتل او می کردند، خبر به مینباشی سپاه رسید که تمامی اورشلیم به شورش آمده است.³² او بی درنگ سپاه و

أَجُورُ لِي أَنْ أَقُولَ لَكَ شَيْئًا؟ فَقَالَ: أَتَعْرِفُ
 الْيُونَانِيَّةَ؟³⁸ أَفَلَسْتَ أَنْتَ الْمِصْرِيَّ الَّذِي صَنَعَ قَبْلَ هَذِهِ
 الْأَيَّامِ فِتْنَةً وَأَخْرَجَ إِلَى الْبَرِّيَّةِ أَرْبَعَةَ الْأَلْفِ الرَّجُلِ مِنَ
 الْقَتْلَةِ.³⁹ فَقَالَ بُولُسُ: أَنَا رَجُلٌ يَهُودِيٌّ طَرَسُوسِيٌّ مِنْ
 أَهْلِ مَدِينَةٍ غَيْرِ دَنِيَّةٍ مِنْ كِيلِيكِيَّةٍ، وَالتَّمَسْتُ مِنْكَ أَنْ تَأْذَنَ
 لِي أَنْ أَكَلِمَ الشَّعْبَ.⁴⁰ فَلَمَّا أُذِنَ لَهُ وَقَفَ بُولُسُ عَلَى
 الدَّرَجِ وَأَيْشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الشَّعْبِ، فَصَارَ سَكُوتٌ عَظِيمٌ،
 فَتَأَدَّى بِاللُّغَةِ الْعِبْرَانِيَّةِ قَائِلًا:

یوزباشیها را برداشته، بر سر ایشان تاخت. پس ایشان
 به مجرّد دیدن مینباشی و سپاهیان، از زدن پولس
 دست برداشتند.

³³ چون مینباشی رسید، او را گرفته، فرمان داد تا او را
 بدو زنجیر ببندد و پرسید که این کیست و چه کرده
 است؟³⁴ اما بعضی از آن گروه به سخنی و بعضی به
 سخنی دیگر صدا می‌کردند. و چون او به سبب
 شورش، حقیقت امر را نتوانست فهمید، فرمود تا او
 را به قلعه بیاورند.³⁵ و چون به زینه رسید، اتفاق افتاد
 که لشکریان به سبب ازدحام مردم او را
 برگرفتند،³⁶ زیرا گروهی کثیر از خلق از عقب او افتاده،
 صدا میزدند که: او را هلاک کن!

³⁷ چون نزدیک شد که پولس را به قلعه درآورند، او به
 مینباشی گفت: آیا اجازت است که به تو چیزی گویم؟
 گفت: آیا زبان یونانی را می‌دانی؟³⁸ مگر تو آن مصری
 نیستی که چندی پیش از این فتنه برانگیخته، چهار
 هزار مرد قتال را به بیابان برد؟³⁹ پولس گفت: من مرد
 یهودی هستم از طرسوس قیلیقیه، شهری که بینام و
 نشان نیست و خواهش آن دارم که مرا إذن فرمایی تا
 به مردم سخن گویم.⁴⁰ چون إذن یافت، بر زینه
 ایستاده، به دست خود به مردم اشاره کرد؛ و چون
 آرامی کامل پیدا شد، ایشان را به زبان عبرانی
 مخاطب ساخته، گفت: